

گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن‌های ایران

* احمد رضایی

** محمد اسماعیل ریاحی

*** نورمحمد سخاوتی‌فر

E-mail: arezaiim@yahoo.com

E-mail: m.riahi@umz.ac.ir

E-mail: sakhavatifar@yahoo.com

چکیده:

در این مقاله سعی شده تا میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی ترکمن‌ها مورد بررسی قرار گیرد. کلیه خانوارهای ترکمن پنج شهر ترکمن‌نشین استان گلستان؛ یعنی آق‌قلا، بندر ترکمن، گنبدکاووس، کلاله و مراوه‌تپه، جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند. فرضیه اصلی تحقیق این است که بین میزان گرایش به هویت ملی و میزان گرایش به هویت قومی ترکمن رابطه وجود دارد. متغیرهای اصلی شامل هویت ملی و هویت قومی می‌باشد که رابطه همبستگی بین آن دو مورد بررسی قرار گرفته است. برای سنجش میزان گرایش به هویت ملی، چهار مؤلفه در نظر گرفته شد که عبارتند از میراث فرهنگی، زبان، سرزمین و تاریخ. هویت قومی نیز براساس چهار مؤلفه مورد سنجش قرار گرفته که عبارتند از میراث فرهنگی، زبان، مذهب و تاریخ. نتایج به دست آمده از اطلاعات و داده‌های گردآوری شده حکایت از آن دارد که ترکمن‌ها نه فقط گرایش بالائی به هویت قومی دارند، بلکه گرایش به هویت ملی نیز در آنها بالا بوده و بین این دو نوع هویت همبستگی نسبتاً نیرومند وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: هویت، ملت، هویت ملی، قوم، هویت قومی، ترکمن‌ها

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

*** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه مازندران

ایران کشوری با تنوع فرهنگی زیاد است. جوامع متنوع جوامعی هستند که گروه‌ها (دو یا چند گروه) فرهنگی، زبانی، مذهبی و نژادی گوناگونی را در خود جای داده‌اند. آنچه در اینگونه جوامع اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، ایجاد احساس دلبستگی و تعلق خاطر اقوام به هویت ملی و به دنبال آن دستیابی به وفاق و وحدت ملی در جامعه است. تحقق وفاق و وحدت ملی از جهات مختلف بسیار ارزشمند است. در بعد سیاسی، وفاق ملی برای حفظ تمامیت ارضی و ممانعت از تجزیه کشور عنصری حیاتی است و اختلاف اقوام و گروه‌ها با دولت مرکزی یا اختلافات بین قومی موجبات تزلزل دولت ملی و هرج و مرج می‌شود. در بعد اقتصادی، امنیت و آرامش مهم‌ترین اصل برای توسعه و پیشرفت جامعه است. نزاع و درگیری و حتی خصومت‌های پنهان می‌تواند انرژی، وقت و سرمایه زیادی را از ملت و دولت بگیرد و از شکل‌گیری اقتصادی پویا ممانعت کند. همچنین، در زیر چتر همبستگی ملی، مبادلات فرهنگی دوجانبه و برابر و عدم سیطره ارزش‌های یک گروه بر گروه دیگر موجب پرورش و بالندگی فرهنگی خواهد بود. در بعد اجتماعی نیز همبستگی ملی، روابط اجتماعی مسالمت‌آمیز و به دور از تنش‌های بین قومی را به دنبال خواهد داشت. برخی از محققین عقیده دارند که تمایل به مؤلفه‌های فرهنگ قومی مانند زبان و گویش و برخی آداب و رسوم، مغایر با گرایش به هویت ملی است. برخی دیگر بر این عقیده‌اند که تمایل به هویت ملی با برخی تمایلات فروملی نظیر گویش، آداب و رسوم و گاهی مذهب، مغایر نیست؛ زیرا هویت‌های محلی و یا قومی در طول هویت ملی هستند نه در عرض آن. تحقیقاتی که توسط نگارنده و دیگران در شهرهای تبریز و مهاباد، به عنوان دو شهر آذری و کردنشین انجام گرفته، مؤید این موضوع است (رضائی و احمدلو، ۱۳۸۳). تحقیق حاضر تلاش دارد این دو دیدگاه را در یکی از مناطق قومی ایران، آزمایش کرده و به این پرسش پاسخ دهد. که آیا عدم مغایرت گرایش‌های فرهنگی بومی و ملی، فقط در مناطق آذری و یا کرد مورد تأیید قرار گرفته و یا در سایر مناطق ایران نیز تأیید می‌شود؟

در ایران اقوام متعددی از جمله ترکمن‌ها زندگی می‌کنند. ترکمن‌ها که در استان‌های گلستان و خراسان شمالی ساکن‌اند؛ تاریخی مشترک و آمیخته با سایر ایرانیان داشته و فراز و نشیب‌های بسیار در این تعامل طولانی‌مدت تجربه کرده‌اند؛ که گاه همراه با جنگ و نزاع بوده و گاه نیز با اتحاد و همدلی و مبارزه علیه بیگانگان همراه گشته است.

تا قبل از شکل‌گیری دولت به معنای امروزی آن توسط رضاشاه، ترکمن‌ها همانند سایر اقوام ایرانی از نوعی ویژگی ملوک‌الطوایفی برخوردار بودند. پس از استقرار حکومت رضاشاه، که داعیه ایجاد دولت مدرن را داشت، سرنوشت اقوام و از جمله ترکمن‌ها، ارتباط نزدیک‌تری با سیاست‌های دولت مرکزی پیدا کرد. بر این اساس، این پرسش طرح می‌شود که این ارتباط و تعامل چه تأثیری بر نگرش قوم ترکمن، نسبت به مؤلفه‌های هویت محلی و هویت کلان ملی گذاشته است؟ آیا ترکمن‌ها برای خود هویت جداگانه‌ای قائل بوده و خود را تافته‌ای جدا بافته از جامعه کل می‌پندارند؟ یا هویت قومی خود را در بستر هویت ملی و ایرانیت خود می‌پسندند؟ در واقع، پرسش این است که چه رابطه‌ای بین هویت ملی و هویت قومی ترکمن وجود دارد؟

هویت ملی

ملت و هویت ملی مفاهیم مرتبط با هم هستند و اصولاً ملتی با ویژگی‌های امروزی آن لازم است تا هویت ملی شکل گیرد. هویت ملی فراگیرترین و گسترده‌ترین هویت اجتماعی در سطح جامعه بوده و عبارت است از «مجموعه ویژگی‌ها، دلبستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، حماسی و قومی که زندگی انسانی را دربرمی‌گیرد و عضو جامعه به آن می‌بالد و افتخار می‌کند» (روح‌الامینی، ۱۳۸۳: ۲۲). در واقع هویت ملی مجموعه‌ای از آثار و مشخصه‌هایی است که سبب تفاوت جوامع ملی از یکدیگر می‌شود. هویت ایرانی دارای اجزا و عناصری است که با آن شناخته می‌شود. برخی نمادهای ملی مانند پرچم، سرود ملی، زبان فارسی، اسطوره‌ها، عید نوروز و مانند آن، معرف کشوری به نام ایران است.

هویت قومی

هویت قومی از نوع هویت اجتماعی بوده و «مجموعه خاصی از عوامل عینی، ذهنی، فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و نفسانی است که در یک گروه انسانی متجلی می‌شود و آن را نسبت به دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد» (الطائی، ۱۳۸۲: ۱۵۸). در این نوع هویت، روابط عاطفی اعضا بیشتر بوده و همگنی و یکدستی بیشتری نسبت به جامعه کلی بر آن حاکم است. هویت قومی در مرتبه پائین‌تری از هویت ملی قرار دارد.

ترکمن‌ها دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌های خاص خود هستند که آن را از سایر اقوام متمایز می‌سازد. هر چند ممکن است برخی از این شاخصه‌ها به گونه‌ای مشابه در اقوام

دیگر نیز موجود باشد، ولی قرار گرفتن آنها در کنار هم، تنها معرف قومی با نام ترکمن است. زبان ترکمنی، اسب ترکمن، دوتار و کمانچه، مختومقلی فراغی، مسلمان حنفی مذهب، ترکمن صحرا و مانند آنها اسامی و واژگانی اند که یادآور نام ترکمن هستند.

چارچوب نظری یا مفهومی

الف) تئوری رقابت نخبگان

از مهمترین نظریه‌هایی که به نقش نخبگان در ناسیونالیسم قومی پرداخته، نظریه رقابت نخبگان است که توسط پل. آر. براس^۱ طرح گردیده است. به نظر وی «نابرابری بین گروه‌های قومی متفاوت و مناطق مختلف فرهنگی، به تنهایی منجر به رشد آگاهی قومی و اجتماعی نمی‌گردد، بلکه در صورتی آگاهی قومی شکل می‌گیرد که تضادها و تعارض‌هایی بین نخبگان وجود داشته باشد» (براس، ۱۹۹۱: ۲۸-۲۵). «نخبگان قومی، مناطق تحت نفوذ خود را در مقایسه با سایر مناطق، عقب‌نگاه‌داشته‌شده معرفی کرده و تلاش می‌کنند ساکنان آن نواحی را به دنبال خود بسیج کنند. به گفته پل براس، نخبگان قومی از این هم فراتر می‌روند و در رقابت برای کسب قدرت سیاسی، با بزرگ جلوه دادن موارد کوچک تبعیض یا موارد خاصی از نابرابری‌های منطقه‌ای، تصویری از نابرابری‌ها و تبعیضات منطقه‌ای ترسیم می‌کنند» (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۷۱). نخبگان برای دست‌یابی به منافع شخصی، با توجه به شناختی که نسبت به قوم خود دارند، دست به بسیج قومی می‌زنند. آنها «با استتار در پشت قومیت‌ها به شیوه‌ای ابزارگونه و با بهره‌گیری از قدرت، افسانه‌ها، نمادها، احساسات، مذهب، فرهنگ، سنت، تاریخ و زبان، به خلق ناسیونالیسم قومی می‌پردازند» (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۸۵). براس، وجود تفاوت‌های قومی در رقابت نخبگان را برای بسیج قومی کافی نمی‌داند. وی کانال‌هایی ارتباطی را برای انتقال افکار و عقاید نخبگان به دیگر اقشار و طبقات درون قومی لازم و ضروری می‌داند و به همین منظور «به رشد نرخ سواد، گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی، به ویژه روزنامه، استانداردها، زبان‌های محلی، وجود کتب به زبان‌های محلی و دسترسی به مدارس در جایی که آموزش زبان بومی است، اشاره می‌کند و آنها را از جمله عوامل ضروری برای پیشبرد این نوع ارتباط و تبادل بین طبقاتی برمی‌شمرد» (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۱۴۰ و ۱۴۱). بر اساس دیدگاه ابزارگرایانه پل آر براس، نخبگان قومی برای دست‌یابی به برخی منافع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، با بهره‌گیری از

1- Poul. R. Brass

احساسات قومی، دست به تحریک اعضای گروه‌های قومی می‌زنند. این اقدام از طریق کانال‌هایی نظیر رسانه‌ها انجام می‌گیرد. در صورتی که این کانال‌های ارتباطی در اختیار برگزیدگان اقوام نباشد، فرایند بسیج قومی و تشدید قوم‌گرایی، از جانب آنان ناکام خواهد ماند.

ب) احساس محرومیت نسبی

یکی از عوامل شکل‌گیری قوم‌گرایی و حتی منازعات و کشمکش‌های قومی، احساس محرومیت نسبی است. برخلاف دیدگاه استعمار داخلی که از منظر اقتصادی - اجتماعی به قومیت می‌نگرد، این دیدگاه از جنبه‌ای روان‌شناسانه به همبستگی‌های اجتماعی گروه‌های قومی می‌پردازد. تد رابرت گر^۱ از نظریه‌پردازان این حوزه معتقد است: «محرومیت نسبی (اعم از فردی یا جمعی) نتیجه احساس وجود شکاف غیرقابل تحمل بین توقعات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی است. بسته به شدت پای‌بندی به ارزش مورد توقع، مشروع‌دانستن محرومیت، فرصت‌های بدیل ممنوع‌شده و دفعات محرومیت، احساس محرومیت نسبی، نارضایتی و خشم شکل می‌گیرد» (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۰۴). وقتی اعضای گروه‌های قومی برای خود جایگاهی فروتر از اقوام دیگر (در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) متصور شوند، این تصور منجر به نارضایتی آنان می‌گردد و عاملی برای همبستگی بیشتر قومی می‌شود. البته این مقایسه لزوماً مقایسه بین خودی و غیرخودی نیست و ممکن است مغایر شرایط کنونی خود با وضعیت گذشته باشد. همچنین محتمل است احساس محرومیت افراد واقعی نبوده و ساختگی باشد. اندیشمندان این رهیافت بر این اعتقادند که محرومیت نسبی محصول دوران نوسازی است و اصولاً در جوامع سنتی که تغییر و تحولات بسیار کند، است چندان مقایسه‌ای هم بین اقوام صورت نمی‌پذیرد.

در ایران در حال توسعه نیز ممکن است این احساس در میان اقوام وجود داشته باشد، هر چند ترکمن‌های استان گلستان از لحاظ وضعیت اقتصادی و رفاه نسبی، در مقایسه با بسیاری از اقوام در دیگر نقاط کشور، شرایط مناسب‌تری دارند، ولی به دلیل آنکه در برخی موارد نظیر حوزه سیاسی و یا پایگاه اجتماعی همسطح با سایر اقوام نیستند، ممکن است این احساس در آنان نیز وجود داشته باشد. در عین حال، فقر عمومی و بیکاری‌های گسترده در سطح کل جامعه نیز در تقویت احساس محرومیت

1- Ted Robert Gur

آنان تأثیر گذار خواهد بود. بنابراین، تئوری احساس محرومیت قابلیت تبیین بالایی در بررسی رابطه هویت ملی و قومی ترکمن‌ها دارد.

در این مقاله، از دو نظریه (دیدگاه) نخبگان و محرومیت نسبی برای تبیین رابطه بین هویت ملی و قومی ترکمن استفاده شده است. همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، نقش نخبگان می‌تواند موجب تقویت عناصر هویت قومی شده و با افزایش فاصله موجود بین دو نوع هویت، باعث افزایش دلبستگی و احساس تعلق به هویت قومی گردد. در این دیدگاه، بعد فرهنگی هویت مورد توجه است. در نتیجه، به هر میزان شدت علاقمندی و گرایش نسبت به عناصر فرهنگ قومی از سوی پاسخگویان بالا باشد، نشان از تأثیر این جریان در قوم‌گرایی ترکمن‌ها دارد و از طرف دیگر، عدم تمایل و گرایش به این جنبه از هویت قومی، بیانگر نبود رابطه بین تئوری نخبگان و هویت قومی ترکمن‌ها خواهد بود. در این پژوهش، برای سنجش این رابطه، چهار شاخص تحت عنوان مؤلفه فرهنگ ملی در نظر گرفته شده است. واکنش پاسخگویان در قبال هر یک از این گویه‌ها، بیانگر شدت میزان گرایش به مؤلفه مذکور است و رابطه آن با قوم‌گرایی، میزان تأثیر نقش نخبگان را مشخص می‌سازد.

رهیافت محرومیت نسبی نیز به عنوان مکمل دیدگاه قبلی مطرح است. در صورتی که احساس محرومیت نسبی گروه قومی ترکمن بالا باشد و، به درست یا غلط، خود را در مقایسه با سایر اقوام محروم‌تر احساس کنند، گرایش به هویت قومی در آنان تقویت شده و ملی‌گرایی‌شان تضعیف خواهد شد و در صورتی که این احساس در ترکمن‌ها پائین باشد، نتیجه معکوس می‌شود. برای سنجش میزان شدت این احساس در نزد ترکمن‌ها، از ۸ گویه استفاده شده که احساس محرومیت افراد را در جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد سنجش قرار می‌دهد. رابطه این متغیر با متغیرهای هویت ملی و قومی، شدت تأثیرگذاری آن را در اجتماع ترکمن‌ها مشخص می‌سازد.

قلمرو ترکمن‌ها

ترکمن‌ها در قلمروهای متعددی پراکنده‌اند. آنها غیر از کشور ترکمنستان، که زیستگاه اصلی‌شان به شمار می‌آید، در کشورهای ایران، چین، افغانستان، ترکیه و عراق ساکن‌اند. ترکمن‌های ایران در استان گلستان، در سرزمینی واقع در بین دو رود اترک و قره سو و در استان خراسان شمالی، در بخش‌های قوچان، بجنورد و سرخس زندگی می‌کنند. اکثریت ترکمن‌های ایران در استان گلستان ساکن‌اند.

استان گلستان، که در خردادماه سال ۱۳۷۶ از استان مازندران جدا شد و به مرکزیت شهرگرگان موجودیتی مستقل یافت، در جوار استان‌های مازندران، سمنان و خراسان شمالی بوده و از سمت شمال با جمهوری ترکمنستان، ۲۰۵ کیلومتر مرز مشترک دارد. وسعت آن ۲۰۳۲۸ کیلومتر مربع است که حدود ۱/۳۳ درصد از مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد. این استان تازه‌تأسیس از ۱۱ شهرستان، ۲۴ شهر، ۲۱ بخش و ۵۰ دهستان تشکیل شده و حدود یک و نیم میلیون نفر جمعیت دارد. استان گلستان از لحاظ اقلیمی و آب و هوایی، از تنوع و گوناگونی بسیاری برخوردار است؛ به طوری که می‌توان در این منطقه نه چندان گسترده و وسیع، نواحی کوهستانی، دشت، بیابان و مناطق ساحلی را مشاهده نمود. با وجود چنین شرایطی، وضعیت آب و هوایی آن نیز بسیار متنوع است. به لحاظ ترکیب جمعیتی، استان گلستان اقوام بسیاری را در خود جای داده است. در این منطقه، اقوامی نظیر ترکمن، ترک، کرد، بلوچ، سیستانی و مانند آن با فرهنگ‌های خاص خود در کنار هم زندگی می‌کنند. از اقوامی که از دیرباز در این مکان حضور یافته‌اند، ترکمن‌ها هستند. زمان مهاجرت ترکمن‌ها به دشت ترکمن، به حدود قرن نهم هجری برمی‌گردد. در دوره زمام‌داری تیموریان، آق قویونلوها و قراقویونلوها، ترکمن‌ها آرام‌آرام به سکونتگاه‌های فعلی خود کوچ کرده و در آن سکنی گزیدند و این منطقه، به مرور زمان و به سبب حضور این قوم، ترکمن صحرا لقب گرفت.

میراث فرهنگی ترکمن‌ها

ترکمن‌ها به لحاظ فرهنگ و آداب و سنن زندگی، با سایر ایرانیان تفاوت‌هایی دارند. هر چند این تفاوت‌ها در سال‌های اخیر کمرنگ‌تر شده، ولی این قوم بسیاری از خصلت‌های فرهنگی سنتی خود را حفظ نموده است. برای نمونه، نوع پوشش زنان برخلاف پوشاک مردان با وجود تغییرات عمده نسبت به گذشته، محفوظ مانده و به آنان در مقایسه با دیگر ایرانیان هویت خاصی بخشیده است. موسیقی ترکمن، ذکر یا رقص خنجر و بازی‌های محلی از جمله سنن باقی مانده از گذشتگان است که تا حدودی جایگاه سابق خود را در بین مردم از دست داده‌اند.

زبان

«ترکمن‌ها زبان خود را «ترکمن چه» یا ترکمن دیل (زبان ترکمنی) می‌نامند» (کنعانی، ۱۳۷۹: ۲۳۳). «زبان ترکمنی، جزو شاخه زبان‌های ترکی درگروه زبان‌های اورال -



آلتاتیک قرار دارد. زبان‌های اورال - آلتاتیک، زبان ساکنین ترکستان چین می‌باشد» (گلی، ۱۳۶۶: ۲۴۳). «در این زبان که پیوندی یا اتصالی خوانده می‌شود، ریشه کلمات ثابت می‌ماند و معانی مختلف با افزودن پسوندهای مختلف حاصل می‌شود» (اعظمی‌راد، ۱۳۸۲: ۱۹۷). ترکمن‌ها با یکدیگر به زبان محلی صحبت می‌کنند، اما واژگان و مفاهیم فارسی فراوانی در مکالمات روزمره ترکمنی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مذهب

ترکمن‌ها مسلمان اهل سنت و حنفی مذهب‌اند. آنها قبل از گرویدن به دین اسلام، پیرو آیین شامانیسم بوده‌اند. آنها در حدود قرن دهم میلادی، با دین اسلام آشنا شده و آن را پذیرفتند. رسم و رسومات آئین قبلی را به فراموشی سپرده و به پرستش خدای یگانه روی آوردند. تأثیر اسلام بر این قوم چنان بود که حتی «در مورد پیدایش کلمه ترکمن گفته شده که این واژه به دنبال مسلمان شدن آنها در اواخر قرن دهم میلادی ظاهر شده است» (کنعانی، ۱۳۷۹: ۲۳۳). «نام روحانیون ترکمن‌های ایران ملا یا آخون (آخوند) است. غیر از آخون‌ها و ملاها در میان ترکمن‌های ایران، سومین گروه روحانیون یعنی ایشان‌ها هستند که از احترام خاصی برخوردارند» (بیگدلی، ۱۳۶۹: ۴۲۲). تأثیر مذهب در زندگی فردی و اجتماعی ترکمن‌ها بخوبی نمایان است. حضور شریعت اسلام در آئین‌ها و مناسک مختلف، نشان از جایگاه دین اسلام در بین ترکمن‌ها دارد.

نژاد

در ایران چندان تفاوت نژادی در بین اقوام مختلف دیده نمی‌شود و شاید تنها ترکمن‌ها باشند که تا حدودی، از نظر فیزیک ظاهری، متمایز از سایر اقوام هستند. «امان‌اللهی بهاروند درخصوص ویژگی‌های نژادی اقوام ایرانی بر این عقیده است که «بین گروه‌های قومی در ایران، تنها ترکمن‌ها و چند گروه کوچک دیگر دارای ویژگی‌های نژادی چشمگیر هستند» (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۴: ۲۶).

ترکمن‌ها با توجه به خاستگاه اصلی‌شان (مغولستان و چین) متعلق به نژاد زرد بوده و دارای ویژگی‌های جسمانی خاصی‌اند. از نظر بیگدلی، «چهره ترکمن‌ها قدری شبیه مغول‌هاست. مردمی‌اند نسبتاً بلندقد با موئی سیاه که چهره و قیافه سنگینی دارند و عموماً لاغر می‌باشند» (بیگدلی، ۱۳۶۹: ۳۳۳).

جامعه آماری

کلیه خانوارهای ترکمن پنج شهر ترکمن‌نشین استان گلستان یعنی آق‌قلا، بندرترکمن، گنبدکاووس، کلالة و مراوه‌تپه، جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند. شهرهای مذکور، به دلیل آنکه سابقه طولانی‌تری به لحاظ شهرنشینی و تاریخی نسبت به دیگر شهرهای ترکمن‌نشین دارند و اینکه در این شهرها ترکمن‌ها در مقایسه با سایرین از اکثریت برخوردارند، برگزیده شده‌اند. مضافاً اینکه ترکمن‌ها، ساکنان اولیه این شهرها از آغاز پیدایش بوده‌اند. سایر مناطق شهری که ترکمن‌ها در آن اکثریت دارند، در سال‌های اخیر و در نتیجه گسترش فضایی و جمعیتی مناطق روستایی، به شهر تبدیل شده‌اند. پنج شهر مذکور به سبب ترکیب جمعیتی گوناگون خود که شامل طوایف مختلف، سطح و شیوه زندگی متفاوت می‌شود، قابلیت بالایی در تعمیم نتایج به سایر مناطق دارند.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایشی بوده و از پرسش‌نامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. پرسش‌نامه براساس مقیاس لیکرت تنظیم و سؤال‌های آن از نوع سؤال‌های بسته و پنج گزینه‌ای می‌باشد. این سؤال‌ها برای سنجش میزان شدت گرایش شاخصه‌های هویت ملی و هویت قومی و در مجموع، برای سنجش و به دست آوردن رابطه بین این دو نوع هویت تنظیم گردید. اکثر پرسش‌نامه‌ها توسط خود پاسخ‌گویان و برای افراد بی‌سواد یا کم‌سواد، توسط پرسش‌گران تکمیل شد. تحلیل اطلاعات به دست آمده به کمک برنامه SPSS بوده و از روش توصیفی و تبیینی استفاده شده است. در این تحقیق، با بهره‌گیری از فرمول کوکران و تخمین جمعیت ترکمن‌های استان گلستان (۵۶۰/۰۰۰ نفر)، حجم نمونه ۳۸۵ نفر برآورد گردید. روش نمونه‌گیری نیز به این صورت بوده که ابتدا از محدوده پژوهش که شامل پنج شهر آق‌قلا، بندرترکمن، گنبدکاووس، کلالة و مراوه‌تپه می‌شود با در نظر گرفتن جمعیت ترکمن ساکن در این شهرها، تعداد نمونه هر شهر مشخص و با تقسیم‌بندی شهر به ۵ منطقه (شمال، جنوب، مرکز، غرب و شرق)، از بلوک‌های ساختمانی به عنوان صفت کمکی دسترسی به نمونه‌ها استفاده شده است. گردآوری اطلاعات نیز از طریق درب منازل صورت پذیرفت. لازم به ذکر است که سعی شده تا از دانشجویانی که مقیم آن شهرها هستند، پس از آموزش، به عنوان پرسش‌گر استفاده شود.



ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخگویان

جنسیت

از مجموع پاسخ‌گویان، ۲۸۴ نفر مرد و ۱۰۱ نفر زن بوده‌اند. نظر به اینکه مردان نسبت به زنان در گروه‌های متعدد و بیشتری عضویت داشته و در اجتماعات بیشتری مشارکت دارند، راحت‌تر در دسترس بوده و در حدود دو برابر بیشتر از زنان در نمونه آماری جای گرفته‌اند. این تفاوت ممکن است ناشی از عدم تمایل خانم‌های ترکمن در پاسخ‌گویی به غریبه است و یا تمایل مردان ترکمن به پیشقدم شدن در پاسخ‌گویی است (پرسشگران به درب منازل مراجعه و یکی از افراد بالای پانزده سال را به عنوان نمونه برگزیده‌اند).

جدول شماره ۱: توزیع پاسخ‌گویان برحسب جنس

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۲۸۴	۷۳/۸
زن	۱۰۱	۲۶/۲
جمع	۳۸۵	۱۰۰

سن

جدول شماره ۲: توزیع پاسخ‌گویان برحسب سن

سن افراد	فراوانی	درصد
۱۵-۳۰	۱۵۳	۳۹/۹
۳۱-۴۵	۱۳۵	۳۵/۳
۴۶ به بالا	۹۵	۲۴/۸
جمع	۱۸۳	۱۰۰

افراد برحسب سن، به سه گروه تقسیم شده‌اند که می‌توان آن را سه گروه ۱۵-۳۰ ساله، ۳۱-۴۵ ساله و ۴۶ ساله و بالاتر در نظر گرفت. هر چند در انتخاب افراد بر حسب سن، هیچ‌گونه سهمیه‌بندی قبل از توزیع پرسش‌نامه صورت نپذیرفته، ولی سعی شده تا از سنین مختلف به میزان مکفی پاسخگو وجود داشته باشد. در این گروه‌بندی، با توجه به در اکثریت بودن جوانان در جامعه، بیشتر پاسخ‌گویان از این رده سنی بوده‌اند.

جدول شماره ۳: توزیع پاسخ‌گویان برحسب سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
زیر دیپلم	۹۹	۲۵/۷
دیپلم و فوق‌دیپلم	۱۸۵	۴۸/۱
لیسانس	۹۲	۲۳/۹
فوق لیسانس و بالاتر	۹	۲/۳
جمع	۳۸۵	۱۰۰

پاسخ‌گویان براساس میزان تحصیلات در چهار گروه مختلف قرار گرفتند که در این بین، دیپلم و زیر دیپلم بیشترین آمار را به خود اختصاص داده‌اند. این امر می‌تواند بیانگر بالا بودن تعداد این گروه از افراد در سطح جامعه و نیز بالا رفتن سطح سواد در بین ترکمن‌ها باشد. همچنین، کمترین تعداد مربوط به مقطع تحصیلات تکمیلی است که در سطح جامعه نیز این گروه از افراد نسبت به بقیه، تعداد کمتری را شامل می‌شوند.

میزان درآمد ماهانه

پاسخ‌گویان براساس درآمد به سه گروه کم‌درآمد، درآمد متوسط و درآمد بالا تقسیم شده‌اند. نظر به اینکه شهرهای مورد پژوهش، در مقایسه با دیگر مناطق کشور، جزو شهرهای کوچک به شمار آمده و درآمدها و هزینه‌های زندگی در آنها به نسبت کمتر است، این مقوله‌بندی انجام پذیرفته است. در نمونه آماری تحقیق، افراد با درآمد متوسط بیشترین تعداد و افراد با درآمد بالا، کمترین تعداد را تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۴: توزیع پاسخ‌گویان برحسب میزان درآمد ماهانه

میزان درآمد (به هزار تومان)	فراوانی	درصد
پائین (۰-۱۹۹)	۷۳	۳۰/۶
متوسط (۲۰۰-۳۹۹)	۱۳۴	۵۶/۳
بالا (۴۰۰+)	۳۱	۱۳/۱
جمع	۲۳۸	۱۰۰



وضعیت تاهل

جدول شماره ۵: توزیع پاسخ‌گویان برحسب وضعیت تاهل

وضعیت تاهل	فراوانی	درصد
متاهل	۲۴۵	۶۳/۷
مجرد	۱۲۹	۳۳/۷
فوت همسر	۷	۲
طلاق گرفته و متارکه	۲	۰/۶
جمع	۳۸۳	۱۰۰

بیشتر پاسخ‌گویان را متاهلان تشکیل می‌دهند و مجردان، که شامل افراد ازدواج‌نکرده، طلاق گرفته، فوت همسر و متارکه‌ای هستند، تنها در حدود ۳۶ درصد می‌شوند. تعداد افراد متاهل جامعه نمونه، که به صورت تصادفی برگزیده شده‌اند؛ می‌تواند بازگوکننده این امر باشد که سن ازدواج هنوز در میان ترکمن‌ها، به خصوص در شهرهای کوچکتر، افزایش چشمگیری نیافته است.

شهر محل سکونت

جدول شماره ۶: توزیع پاسخ‌گویان برحسب شهر محل سکونت

شهر محل سکونت	فراوانی	درصد
گنبدکاووس	۱۵۰	۳۹
بندر ترکمن	۱۰۰	۲۶
آق فلا	۶۵	۱۶/۹
کلاله	۴۵	۱۱/۶
مراوه‌تپه	۲۵	۶/۵
جمع	۳۸۵	۱۰۰

تعداد پاسخ‌گویان هر شهر متناسب با تعداد افراد ترکمن ساکن در آن در نظر گرفته شد. همانگونه که قبلاً نیز ذکر شد، جمعیت ترکمن‌ها در هر شهر به صورت تخمینی بر آورد شده است. بر این اساس، از شهر گنبدکاووس بیشترین و از مراوه‌تپه، کمترین پاسخ‌گو در نظر گرفته شد.

جدول شماره ۷: توزیع پاسخ‌گویان برحسب طایفه

طایفه	فراوانی	درصد
یموت	۳۱۲	۸۱/۲
گوگلان	۴۴	۱۱/۵
تکه	۱۶	۴/۲
اولاد	۱۲	۳/۱
جمع	۳۸۴	۱۰۰

بیشتر ترکمن‌های ایران و بخصوص استان گلستان، از طایفه یموت هستند. تعداد جمعیت طوایف دیگر نسبت به یموت‌ها بسیار کمتر است. از حیث جمعیت، گوگلان در مرتبه دوم قرار می‌گیرد و تکه و اولاد در این منطقه کمترین جمعیت را دارند.

دفعات مسافرت به کشور ترکمنستان

جدول شماره ۸: توزیع پاسخ‌گویان برحسب دفعات مسافرت به ترکمنستان

دفعات مسافرت	فراوانی	درصد
هرگز	۲۶۷	۶۹/۷
یکبار	۱۶۲	۱۶/۲
دوبار و بیشتر	۵۴	۱۴/۱
جمع	۳۸۳	۱۰۰

هر چند در آغاز استقلال کشور ترکمنستان، تردد ترکمن‌های دو سوی مرز به سمت کشور مجاور زیاد بود، اما در حال حاضر، کاهش قابل توجهی داشته است. از ۳۸۳ نفر، که به این پرسش پاسخ داده‌اند، ۲۶۷ نفر (۶۹/۷ درصد) هرگز به این کشور نرفته‌اند، ۱۶۲ نفر (۱۶/۲ درصد) فقط یکبار و ۵۴ نفر (۱۴/۱ درصد) بیش از دو بار به ترکمنستان سفر کرده‌اند. داشتن خویشاوند در آن سوی مرز و نیز تجارت و بازرگانی، از عوامل مهم سفر به ترکمنستان است. در مقابل، محدودیت‌های مسافرت برای ترکمن‌های دو کشور (تنها افرادی که در محدوده ۴۵ کیلومتری با مرز دو کشور سکونت دارند، قادر هستند بدون ویزا به کشور دیگر مسافرت کنند) و عدم توسعه و پیشرفت ترکمنستان بخصوص در نواحی مرزی، از موانع جذب ایرانیان ترکمن است.



یافته‌های تحقیق آماره‌های هویت ملی

برای سنجش این نوع هویت، چهار مؤلفه در نظر گرفته شده که عبارتند از
۱- میراث فرهنگ ملی، ۲- زبان ملی، ۳- سرزمین ملی، ۴- تاریخ ملی.

۱- میراث فرهنگ ملی

جدول شماره ۹: میزان موافقت با میراث فرهنگ ملی

میانگین	میزان موافقت					میانگین
	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۴/۴۸	٪۰	٪۳/۹	٪۷/۳	٪۲۳/۶	٪۶۴/۷	۱- علاقمندی به پرچم سه رنگ کشور
۳/۶۷	۱۱/۲	۸/۹	۲۳	۲۵/۳	۳۱/۳	۲- استفاده از پوشش رسمی در مدارس دخترانه
۲/۵۴	۲۴/۹	۲۴/۴	۲۹/۹	۱۴/۳	۶/۲	۳- علاقمندی به مراسم ملی نظیر عید نوروز
۲/۵۸	۱۷/۴	۳۰/۵	۳۳/۹	۱۲/۸	۵/۵	۴- علاقمندی به موسیقی سنتی فارسی
۳/۳۱						میانگین میانگین‌ها

از عناصر ملی که بیشترین ابراز علاقمندی از سوی پاسخگویان را در برداشته، پرچم سه رنگ کشور است که اکثریت مطلق (۸۸/۳ درصد)، آن را مایه افتخار خود دانسته‌اند. میانگین ۴/۵ از ۵، حد بسیار بالایی از تمایلات ملی را نشان می‌دهد. ۳۱/۳ درصد نسبت به استفاده از پوشش رسمی (مانتو) دختران ترکمن در مدارس کاملاً موافق و ۲۵/۳ درصد نیز موافق بوده‌اند. پاسخگویان نسبت به مراسم ملی چون عید نوروز، چهارشنبه‌سوری، شب یلدا و مانند آن، چندان علاقه‌ای ابراز ننموده‌اند (۴۹/۳ درصد) و ۲۰/۵ درصد نسبت به برگزاری این مراسم پاسخ مثبت داده‌اند. اعیاد دینی فطر و قربان و مراسم دیگر مذهبی، در میان ترکمن‌ها بسیار باشکوه برگزار می‌شود. بدست آوردن این میانگین برای عید نوروز، شاید از مقابل هم قرار دادن اعیاد دینی (فطر و قربان) و ملی (نوروز) باشد، که این تقابل به نظر صحیح نمی‌باشد. موسیقی سنتی فارسی نیز چندان اقبالی در بین ترکمن‌ها نداشته و ۴۷ درصد پاسخگویان (۱۷/۴ درصد اصلاً و ۳۰/۵ درصد کم) به آن پاسخ منفی داده‌اند. در نواحی مختلف ایران، مردم معمولاً به موسیقی محلی خود بیشتر علاقمندند و این ویژگی اختصاص به ترکمن‌ها ندارد. کسب میانگین ۳/۳۱ از ۵، در مؤلفه میراث فرهنگ ملی، نمره بالایی برای ایرانیان ترکمن محسوب می‌شود.

جدول شماره ۱۰: میزان موافقت با زبان ملی

میانگین	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میزان موافقت
						گویه‌ها
۴/۱۳	۲/۲۶	۳/۱۹	۱۱/۵	۴۱/۸	۴۰/۲	۱- زبان فارسی، زبان ملی ما ایرانیان است.
۳/۸۷	۲/۴	۵/۵	۲۵/۷	۳۵/۲	۳۱/۲	۲- زبان فارسی را در کنار زبان مادری‌ام دوست دارم.
۳/۲۹	۷/۸	۱۴/۸	۳۱/۹	۳۰/۶	۱۴/۸	۳- زبان فارسی چون شکر شیرین است.
۲/۱۷	۴۹/۱	۳۱/۲	۱۳/۵	۴/۲	۱/۸	۴- تکلم به زبان فارسی با اعضای خانواده
۳/۳۶						میانگین میانگین‌ها

زبان فارسی، به عنوان زبان رسمی و ملی کشور، در بین ترکمن‌ها اهمیت زیادی دارد. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که ۸۲ درصد از پاسخگویان، نظر مثبتی به زبان فارسی به عنوان زبان ملی ایرانیان دارند و ۷ درصد با این گزینه کاملاً مخالف بوده‌اند. همچنین، ۶۶ درصد با این جمله که «زبان فارسی را در کنار زبان مادری‌ام دوست دارم»، کاملاً موافق و موافق بوده‌اند و ۴۵ درصد نیز زبان فارسی را چون شکر شیرین می‌دانند. در عین حال، تکلم و استفاده از زبان فارسی در منازل و خانواده‌ها رواج ندارد و ترکمن‌ها در اکثر اوقات و یا همیشه، با اعضای خانواده به زبان محلی صحبت می‌کنند. وجود این پدیده می‌تواند ناشی از تفاوت زبان فارسی با ترکمنی باشد که هر کدام به شاخه‌های جداگانه‌ای تعلق دارند. از طرف دیگر، تکلم به زبان فارسی در میان حدود نیمی از جمعیت، به نسبت‌های متفاوت، نشان از حضور زبان ملی در خانواده‌های ترکمن دارد.

با مراجعه به جدو شماره ۱۰، ترکمن‌ها درخصوص دومین مؤلفه از مؤلفه‌های هویت ملی یعنی زبان میانگینی (۳/۳۶) بالاتر از مؤلفه قبلی کسب کرده‌اند، و این نشان از شکل‌گیری عناصر هویت ملی در ترکمن‌ها می‌باشد.

به خصوص زبان فارسی با کسب میانگین ۴/۱۳ از ۵ در میان ترکمن‌ها نشان از شاخص بالای این پدیده در میان ترکمن‌ها می‌باشد.

تنها مؤلفه‌ای که کمترین میانگین (۲/۱۷) در میان سایر شاخص‌ها را کسب کرده‌اند تکلم با اعضای خانواده است که حدود نیمی از ترکمن‌ها (۴۹ درصد) با اعضای خانواده خود به زبان محلی تکلم می‌کنند و اصلاً از زبان ملی استفاده نمی‌کنند.



و فقط ۶ درصد ترکمن‌ها با اعضای خانواده خود زیاد و خیلی‌زیاد به زبان ملی تکلم می‌کنند.

وجود این پدیده ناشی از تفاوت زبان فارسی با ترکمنی است که هر کدام به یک شاخه زبانی جداگانه تعلق دارد.

از طرف دیگر تکلم به زبان فارسی حدود نیمی از جمعیتی به نسبت‌های متفاوت نشان از حضور زبان ملی در خانواده ترکمن‌ها دارد.

۳- سرزمین ملی

جدول شماره ۱۱: میزان موافقت با سرزمین ملی

میانگین	میزان موافقت					میانگین میانگین‌ها
	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۴/۴۰	۱/۱۳	۲/۲۳	۹/۹۶	۳۵/۸	۵۰/۶	۱- سرزمین ایران را دوست دارم و به آن عشق می‌ورزم.
۴/۳۸	۶۳/۲	۲۱/۶	۹/۹	۱/۱	۴/۳	۲- بود یا نبود ایران برایم فرقی ندارد.
۲/۱۷	۳۶/۲	۲۱/۳	۲۰/۷	۱۳/۶	۸/۱	۳- حاضر نیستم در کشوری غیر از ایران زندگی کنم.
۳/۶۵						میانگین میانگین‌ها

عشق و دل‌بستگی به سرزمین، یکی از ابعاد اصلی هویت ملی بوده و از عوامل انسجام‌بخش آن به شمار می‌آید. بررسی یافته‌های تحقیق، بیانگر آن است که شدت و میزان علاقه و وابستگی عاطفی به زاد و بوم و جغرافیای کشور در میان ترکمن‌ها بسیار زیاد است. همان‌گونه که در جدول شماره ۱۱ مشخص است، ۸۶/۴ درصد اعلام داشته‌اند که ایران را دوست دارند و به آن عشق می‌ورزند. بیش از ۶۳ درصد از پاسخگویان نیز با گزینه «بود یا نبود ایران برای من هیچ فرقی ندارد»، کاملاً مخالف و جمعاً حدود ۸۵ درصد با این مسأله مخالف بوده‌اند. البته حدود ۵۸ درصد اعلام داشته‌اند که حاضرند در کشوری غیر از ایران زندگی کنند. این امر نشان‌دهنده تمایل زیاد به مهاجرت در میان افراد این قوم است. در واقع، ترکمن‌ها سرزمین‌شان ایران را دوست دارند با مراجعه به جدول شماره ۱۱، ترکمن‌ها به نسبت خیلی بالایی سرزمین ملی خود را دوست دارند به طوری که کسب میانگین ۴/۴ از ۵ نشان از دل‌بستگی شدید ترکمن‌ها به سرزمین ایران است. کسب میانگین ۴/۳۸ از ۵ در سؤال دوم نیز تأکید این مدعاست که ترکمن‌ها ایران دوست هستند و آن را سرای خود می‌دانند. کسب میانگین کمتر از ۲/۵، نشان از تمایل به مهاجرت است و البته اگر این آزمون در مناطق دیگر

ایران، که قوم خاصی در آن زندگی نمی‌کند انجام گیرد نیز احتمالاً نتایج مشابهی حاصل خواهد شد که می‌تواند ناشی از تأثیر عوامل مختلف از جمله جهانی‌شدن بر کشوری مانند ایران باشد.

۴- تاریخ ملی

تاریخ ملی کشور نیز در میان ترکمن‌ها جایگاه بااهمیتی دارد؛ به طوری که ۷۳/۳ درصد از پاسخ‌گویان، تاریخ کشور را سرنوشت مشترک خود و سایر ایرانیان دانسته‌اند. همچنین، ۷۹/۲ درصد نیز بیان داشته‌اند که به دانستن و آگاهی از تاریخ کشور خود علاقمندند.

آماره‌های هویت قومی

برای سنجش میزان گرایش به هویت قومی، چهار مؤلفه اصلی قوم ترکمن انتخاب و برای هر کدام چند سنجه در نظر گرفته شده است. این مؤلفه‌ها عبارت بودند از ۱- میراث فرهنگ قومی ۲- زبان ۳- مذهب ۴- تاریخ قومی، که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱- میراث فرهنگ قومی

ترکمن‌ها نسبت به فرهنگ و سنن خود حساسیت فراوانی دارند. از کلیه پاسخ‌گویان، ۹۰/۳ درصد خواستار آن بوده‌اند که عرف محلی در مراسم مختلف ترکمن ساری و جاری باشد. این امر نشان از علاقمندی بسیار بالای ترکمن‌ها نسبت به این جنبه از فرهنگ قومی دارد. همچنین، ۸۷/۲ درصد نسبت به اینکه زنان ترکمن در بیرون از خانه از لباس‌های محلی و ترکمنی استفاده کنند، نظری مثبت داشته‌اند. موسیقی سنتی ترکمن نیز جایگاه ویژه‌ای نزد افراد این قوم دارد. در کل، ۶۶/۵ درصد نسبت به آن ابراز علاقه نموده‌اند. حدود ۱۲ درصد از پاسخ‌دهندگان به این پرسش نیز علاقه چندانی به این نوع موسیقی ندارند. رقص خنجر یا ذکر خنجر نیز به عنوان یکی از سنت‌های فرهنگی به جای مانده از گذشته‌های بسیار دور، مورد توجه و علاقمندی جامعه ترکمن قرار دارد؛ به طوری که ۶۷/۶ درصد در برابر این گزینه که «دوست دارم مراسم رقص خنجر در عروسی‌ها و جشن‌ها برگزار شود»، پاسخ کاملاً موافق و یا موافق داده‌اند. از مجموع آمار و اطلاعات فوق، می‌توان به راحتی به این نتیجه رسید که ترکمن‌ها نسبت به جنبه‌های مختلف میراث فرهنگی خود اهمیت فراوانی قائل بوده و هویت فرهنگی خود را کاملاً می‌شناسند.



جدول شماره ۱۲: میزان موافقت با میراث فرهنگ قومی

میانگین	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میزان موافقت
						گویه‌ها
۴/۴۵	۱/۸	۱/۲۱	۱/۶۸	۱/۳۱۷	۱/۵۸/۶	۱- میزان علاقه به رعایت آداب و رسوم قومی
۴/۳۹	۲/۱	۱/۱	۹/۷	۳۰/۵	۵۶/۷	۲- میزان علاقه به استفاده از پوشاک قومی
۳/۹۷	۴/۹	۷/۸	۱۶/۷	۲۶	۴۴/۵	۳- میزان علاقه به موسیقی سنتی
۳/۸۳	۶/۳	۷/۳	۱۸/۸	۳۱/۶	۳۶	۴- میزان علاقه به مراسم رقص خنجر
۴/۱۶						میانگین میانگین‌ها

۲- زبان قومی

زبان از ارکان مهم موجودیت اجتماع قومی به شمار آمده و حیات فرهنگی نظام اجتماعی بستگی نزدیکی به زبان آن دارد. ترکمن‌ها نیز به این عنصر مهم قومی، ابراز علاقه شدیدی نموده‌اند. ۹۵/۳ درصد از پاسخ‌گویان اعلام داشته‌اند که در منزل با اعضای خانواده خود خیلی زیاد و زیاد ترکمنی صحبت می‌کنند و فقط حدود ۱ درصد کم و یا اصلاً در منزل به این زبان تکلم نمی‌نمایند. حدود ۷۸ درصد نیز کاملاً موافق و موافق این موضوع هستند که زبان و ادبیات ترکمنی در مدارس تدریس شود و تنها ۸/۶ درصد با این قضیه مخالفت نموده‌اند.

همچنین، ۹۳/۳ درصد از پاسخ‌گویان نسبت به این سؤال که «اگر به آنها گفته شود که زبان ترکمنی رو به فراموشی است، تا چه حد اندوهگین می‌شوند»، پاسخ خیلی زیاد و ۲۲ درصد نیز به آن پاسخ زیاد داده‌اند که نشان از دل‌نگرانی فراوان آنها نسبت به این موضوع دارد. ۷۳/۸ درصد از پاسخ‌گویان، شدیداً به زبان قومی خود عشق می‌ورزند و هیچ‌کدام از آنها پاسخ منفی (اصلاً) به این گزینه نداده‌اند. مطابق این یافته‌ها، با قاطعیت می‌توان حکم به منزلت بسیار بالای زبان مورد تکلم ترکمن‌ها در بین اهالی این قوم داد.

جدول شماره ۱۳: میزان موافقت با زبان قومی

میانگین	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میزان موافقت
						گویه‌ها
۴/۷۲	۱/۳	۱/۸	۱/۳/۶	۱/۱۶۹	۱/۷۸/۴	۱- تکلم به زبان ترکمنی با اعضای خانواده
۴/۶۷	-	۱/۳	۳/۹	۲۱	۷۳/۸	۲- عشق ورزیدن به زبان ترکمنی
۴/۶۱	۱/۳	۱	۴/۴	۲۱/۶	۷۱/۷	۳- اندوهگین شدن از فراموشی زبان ترکمنی
۴/۱۶	۴/۲	۴/۴	۱۳/۳	۲۶/۶	۵۱/۶	۴- علاقمندی به تدریس زبان ترکمنی در مدارس
۴/۵۴						میانگین میانگین‌ها

۳- مذهب

مسلمان‌بودن، منزلت و جایگاه ویژه‌ای در میان ترکمن‌ها دارد. در بین پاسخ‌دهندگان به سنجه مذهب، ۷۵/۵ درصد گزینه خیلی زیاد و ۱۲/۹ درصد نیز گزینه زیاد را برگزیده‌اند. به بیان دیگر، ۸۸/۴ درصد پاسخ‌گویان، مسلمان‌بودن خود را مهمتر از ترکمن‌بودن می‌دانند. با وجود میزان بالای گرایشات مذهبی، پاسخ‌گویان در انتخاب دوست و برقراری روابط اجتماعی خود با اقوام دیگر، مذهب را ملاک اصلی قرار نداده‌اند؛ چرا که فارسی‌زبانان با ۳۷/۲ درصد، بیشترین محبوبیت را به خود اختصاص داده است. ۱۷ درصد، کردهای کردستان و ۱۶۷ درصد، بلوچ‌ها را انتخاب کرده‌اند که در مجموع، ۳۴ درصد را شامل می‌شود. این دسته از افراد به عامل مذهب توجه بیشتری داشته‌اند. گزینش ۱۴ درصد از پاسخ‌گویان، ترک بوده که احتمالاً عامل قومیت، در این دسته از افراد، در دوست‌یابی مهمتر از عامل مذهب بوده است. ۱۴/۶ درصد افراد نیز ترجیح می‌دهند دوستی از سایر اقوام نداشته باشند. این گروه از افراد، از قوم‌گرایی بالایی نسبت به سایر افراد برخوردار بوده و دایره دوستی خود را فقط به هم‌قومی‌های خود محدود می‌کنند. مراجعه به جداول شماره ۱۲ و ۱۳، که مؤلفه‌های هویت قومی در آنها مورد پرسش قرار گرفته، نشان‌دهنده تمایل بالای ترکمن‌ها به این مؤلفه‌ها می‌باشد. به نظر می‌رسد، علاقمندی به آداب و رسوم محلی و موسیقی مغایرتی با سایر مؤلفه‌های ملی ندارد، همان‌گونه که می‌توان پرچم کشور را دوست داشت، موسیقی محلی هم دوست همینطور. در خصوص مطرح کردن زبان ترکمنی و مذهب که هر دو از شاخصه‌های عمده ترکمن‌ها می‌باشد، به نظر می‌رسد این تمایل در ترکمن‌ها به‌عنوان فرهنگ محلی مطرح بوده و جای تردیدی ندارد که مؤلفه‌های قومی و ملی تضادی با هم ندارند.

۴- تاریخ قومی

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اکثر پاسخ‌گویان (۸۹/۶ درصد)، اعلام داشته‌اند که به دانستن تاریخ قوم خود علاقمندند و تنها ۲/۸ درصد کم و خیلی کم را انتخاب کرده‌اند. به‌رغم این علاقه بالا، ۴۴/۶ درصد از پاسخ‌گویان از واقعه گوگ‌تپه که از وقایع مهم تاریخ ترکمن به شمار می‌آید، اظهار بی‌اطلاعی نموده و ۲۹ درصد نیز آگاهی کمی از آن دارند و فقط ۸ درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد از این اتفاق مطلع هستند. کتاب‌ها و نوشته‌های اندک در خصوص این واقعه و تاریخ ترکمن، از یک طرف و پائین‌بودن سطح کتابخوانی در کشور از طرف دیگر، می‌تواند از عوامل پائین‌بودن سطح آگاهی از این گونه رویدادهای تاریخی باشد.



کلام آخر

با ترکیب مؤلفه‌های هویت ملی برای هریک از پاسخ‌گویان، نمره‌ای در خصوص هویت ملی به دست آمد. این کار در خصوص هویت قومی نیز انجام گرفت. هر یک از پاسخ‌گویان نیز نمره‌ای برای هویت قومی خود به دست آوردند. سپس با توجه به سطح سنجش (فاصله‌ای)، ضریب همبستگی هویت ملی و قومی ($r_{xy} = 0/55$) به دست آمد که سطح معناداری آن بیش از ۹۹/۹ درصد است. به نظر می‌رسد که از نظر آماری این همبستگی معنی‌دار بوده و با ۹۹/۹ درصد اطمینان، نتایج آن قابل تعمیم به کل جامعه می‌باشد. با توجه به جهت مثبت این همبستگی، به نظر می‌رسد هرچه هویت قومی، فردی بالا باشد، گرایش به هویت ملی نیز افزایش می‌یابد. از این شاخصه آماری می‌توان نتایج زیر را بدست آورد:

- ۱- برخی دیدگاه‌ها هویت قومی را در مقابل هویت ملی قرار می‌دهند، اما به نظر می‌رسد که این پدیده در خصوص ترکمن‌ها صدق نمی‌کند. در واقع، یکی دانستن تمایل به مؤلفه‌های فرهنگی محلی با قوم‌گرایی، زمینه این سوء تفاهم را فراهم آورده است. تحقیقات مناطق آذری‌نشین (تبریز) و کردنشین (مهاباد)، مؤید این دیدگاه است که هویت‌های فروملی با هویت ملی در طول همدیگر هستند نه در عرض یکدیگر.
- ۲- بالابودن تمایلات محلی در ترکمن‌ها در مقایسه با عناصر هویت ملی، می‌تواند ناشی از احساس محرومیت در خصوص تفاوت زبانی و مذهبی باشد و شاید ترکمن‌ها تنها گروه قومی‌اند که از نظر نژادی هم تفاوت عمده‌ای با سایر ایرانیان دارند. بنابراین، تفاوت نژاد، مذهب، زبان و غیره، احتمالاً از علل بالابودن تمایلات محلی و قومی است.
- ۳- به نظر می‌رسد که تئوری نخبگان قادر به تبیین این تفاوت‌ها نباشد. بنابراین، تئوری احساس محرومیت نسبی است که می‌تواند این تفاوت‌ها را تبیین کند.
- ۴- اگر هویت قومی را متغیر مستقل فرض کنیم، فقط ۳۰ درصد از تغییرات هویت ملی ترکمن‌ها به وسیله هویت قومی تعیین می‌شود (ضریب تعیین)، ۷۰ درصد باقی‌مانده را باید به کمک سایر متغیرها تبیین کرد.

نتیجه‌گیری

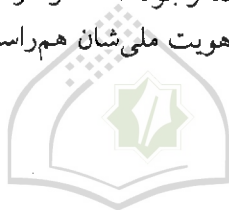
تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که:

- ۱- ترکمن‌ها گرایش زیادی به هویت قومی دارند (با میانگین ۴/۱۲ از ۵). آنان به

جنبه‌های مختلف هویت قومی خود آگاهند و نسبت به هر یک از آنها علاقه شدیدی از خود نشان داده‌اند. در این میان، شاخصه مذهب با میانگین گرایش ۴/۵۹، بیشترین و تاریخ با میانگین گرایش ۳/۲، کمترین آگاهی و علاقمندی را از جانب پاسخ‌گویان به دنبال داشته است.

۲- میزان گرایش به هویت ملی نیز در ترکمن‌ها بالاست (با میانگین ۳/۵۸). این میزان گرایش در تمامی مؤلفه‌های در نظر گرفته شده وجود دارد. ترکمن‌ها نسبت به شاخصه تاریخ با میانگین ۴، بیشترین و شاخصه میراث فرهنگ ملی با میانگین ۳/۳۱، کمترین میزان گرایش را داشته‌اند.

۳- بین میزان گرایش به هویت ملی و میزان گرایش به هویت قومی، همبستگی بالایی (همبستگی ۰/۵۵ با سطح معناداری ۹۹/۹ درصد) وجود دارد. این ارتباط در بین تمامی مؤلفه‌های در نظر گرفته شده وجود داشته و در مجموع، نشان داد که تمایل به هویت قومی ترکمن‌ها با تمایل به هویت ملی‌شان هم‌راستا است.





منابع:

- ۱- احمدی، حمید (۱۳۸۴): قومیت و قوم‌گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- ۲- اسمیت، آنتونی (۱۳۷۷): «منابع قومی ناسیونالیسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال اول، پیش‌شماره اول، صص ۲۰۶-۱۸۳.
- ۳- اعظمی‌راد، گنبد دردی (۱۳۸۳): مقدمه‌ای بر پیشینه تاریخی ترکمن‌ها، مشهد: ناشر مؤلف.
- ۴- الطایبی، علی (۱۳۸۲): بحران هویت قومی در ایران، تهران: شادگان.
- ۵- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۴): «بررسی علل گوناگونی قومی در ایران از دیدگاه انسان‌شناسی»، در کتاب حسین گودرزی، گفتارهایی درباره جامعه‌شناسی هویت در ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ۶- اوزکریملی، ارموت (۱۳۸۳): نظریه‌های ناسیونالیسم، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ۷- بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۹): ترکمن‌های ایران، تهران: نشر پاسارگاد.
- ۸- خوبرویاک، محمدرضا (۱۳۸۰): اقلیت‌ها، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- ۹- رضایی، احمد (۱۳۸۴): «تنوع فرهنگی در استان گیلان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، ش ۲۱، صص ۱۴۰-۱۲۳.
- ۱۰- رضایی، احمد و احمدلو، حبیب (۱۳۸۴): «نقش سرمایه اجتماعی در روابط بین قومی و هویت ملی (بررسی جوانان تبریز و مهاباد)»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲۴، صص ۳۳-۷.
- ۱۱- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۳): «مفهوم‌شناسی هویت ملی» (گفتگو)، در کتاب: داوود میرمحمدی، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ۱۲- شیخاوندی، داور (۱۳۷۹): تکوین و تنفید هویت ایرانی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۱۳- قیصری، نورالله (۱۳۸۳): «هویت ملی، مؤلفه‌ها، چگونگی پیدایش و تکوین آن» (گفتگو)، در کتاب داوود میرمحمدی، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی، صص ۱۰۸-۸۹.
- ۱۴- گلی، امین‌اله (۱۳۶۶): تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها، تهران: نشر علم.
- ۱۵- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰): تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ۱۶- کنعانی، محمدامین (۱۳۷۹): «ایرانیان ترکمن نگاهی به گذشته و حال»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره ۴، صص ۲۴۷-۲۱۵.
- 17- Brass, Paul R. (1991); *Ethnicity and Nationalism: Theory and Comparison*. New Delhi: pvt. Sage Publication India.
- 18- Rezaei, Ahmad (1999); *Kurdish Ethnic Nationalist Movements in Iran: A Sociological Study*. Panjab University: (PhD theses) Chandigarh : India.